

منابع اسلامی احکام اقتصادی قانون اساسی ج. ا. ایران

سید احمدرضا دستغیب^۱، اسداله کردنائیج^۲، مرتضی شهبازی‌نیا^۳

- ۱- دانشجوی پسادکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
- ۲- استاد، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
- ۳- دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۱۶

دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۲

چکیده

هدف: هدف اصلی این مقاله در گام نخست پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین اصول قانون اساسی مرتبط با حوزه اقتصادی کشور کدامند و منابع دینی این اصول کدامند؟ در گام بعد نیز مشکلات و موانع اثرگذاری مناسب و مطلوب قوانین اقتصادی در پیشبرد اقتصادی کشور را با هدف ارائه پیشنهادهایی راهگشا بررسی می‌شود.

روش‌شناسی: این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و داده‌های آن از منابع اکترونیکی و کتابخانه‌ای استخراج شده است.

یافته‌های پژوهش: نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که تقریباً تمامی اصول مهم اقتصادی قانون اساسی مستند به منابع دینی به‌ویژه قرآن کریم هستند. این قوانین به‌رغم اعتبار دینی و جامعیت نسبی، در مواردی برای اثرگذاری در حوزه اقتصادی با موانعی مواجه بوده و هستند: شفافیت نداشتن در اصطلاحات و تعاریفی چون «مالکیت» از موانع اثرگذاری حداکثری قوانین است. بسیاری از فعالیت‌های بخش شبه‌دولتی یا نیمه‌دولتی در نبود قوانین اثرگذار و شفاف، قابل‌نظارت مستقیم نبوده و آثار منفی آنها در اقتصاد کشور مشهودند. گستردگی، وسعت مفاهیم و اصطلاحات در برخی اصول، موجب تفاسیر و برداشت‌های مختلف شده است که نتیجه موردنظر قانونگذار حاصل نشده است (به‌عنوان نمونه اصل ۴۴ و بحث خصوصی‌سازی). تناقض و عدم‌همخوانی برخی قوانین با یکدیگر و



حتی جمله‌های مختلف یک اصل موجب کمرنگ شدن تأثیر پیش‌بینی شده است (اصل ۲۸ قانون اساسی که جمله دوم، جمله اول را کمرنگ می‌کند). از طرف دیگر حوزه اقتصادی کشور نیز در نبود شفافیت و انضباط، ماهیتی قانون‌گریز به خود گرفته و از انعطاف و قانون‌مداری دور شده است.

نوآوری پژوهش: با توجه به امکان عملیاتی شدن اینکه در حوزه حقوق اقتصادی، تعامل بین قانونگذار و فعال اقتصادی (شرکت یا شخص) پررنگ‌تر شود و در فضایی تعاملی، تصحیح و تنقیح قوانین با هدف حصول انضباط و شفافیت در حوز اقتصادی در دستور کار قرار گیرد، مدیران حوزه اقتصاد در سطح کلان کشور می‌توانند بسترهای لازم را برای پویایی حقوق اقتصادی فراهم کنند.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد، احکام اقتصادی، قانون اساسی، منابع اسلامی.

۱- مقدمه

نظام حقوقی هر کشور سعی در سامان بخشیدن به امور و روابط‌های فردی و اجتماعی تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی دارد. نظام حقوقی کشورها بر پایه اصول و قواعد حقوقی شکل می‌گیرند که هدف آن استقرار نظم، تعادل و درنهایت اجرای حداکثری کارایی و عدالت است. قوانین اقتصادی پشتوانه و تضمینی در راستای اعطای حقوق اقتصادی اشخاص حقیقی و حقوقی هستند. همین قوانین اقتصادی بخش مهمی از نظام حقوقی کشورها را در بر می‌گیرند که تدوین، تصویب و اجرای آنها نیازمند تأمل و مذاقه در رابطه نظام حقوقی و نظام اقتصادی با توجه به کلیت نظام اجتماعی آن کشور است. بنابراین حقوق اقتصادی شامل تمام اصول، قواعد، قوانین، مقررات و ضوابطی است که نظام اقتصادی را سازمان می‌دهد [۱]. بخش عمده نظام حقوق اقتصادی دستوراتی آمرانه و حاکمیتی است و تمامی بخش‌های جامعه ملزم به تبعیت از آن می‌باشند. بنابراین نظام اقتصادی نیز به ناچار باید تمامی فعالیت‌ها و روابط خود را با نظام حقوقی و قوانین اقتصادی مرتبط تنظیم کند. از طرفی نظام حقوقی نیز نمی‌تواند قوانین را بدون در نظر گرفتن واقعیات و روابط اقتصادی کشور وضع کند. بنابراین رابطه‌ای دوسویه بین حقوق اقتصادی و واقعیات‌های اقتصادی کشور برقرار است. نتیجه اینکه شرط تدوین و تصویب قوانین اقتصادی دقیق و راهگشا، توجه به واقعیات‌های اقتصادی است.



همچنین از سوی دیگر پیش‌نیاز توسعه اقتصادی، داشتن قوانینی کارآمد و منطبق بر واقعیات اقتصادی در حوزه حقوق اقتصادی است.

نظام حقوقی ایران از جمله حقوق اقتصادی، ریشه در مبانی اسلامی دارند. براساس اصل چهارم قانون اساسی تمام قوانین و مقررات باید براساس موازین اسلامی باشند و حتی در مواردی که قاضی حکم متناسبی در قوانین مدونه پیدا نکند، می‌تواند با استناد به منابع معتبر اسلامی حکم صادر کند.

اصول و قواعد حقوقی در حوزه حقوق اقتصادی در ایران نیز از قانون مادر یا همان قانون اساسی جمهوری اسلامی اقتباس شده است. این اصول و قواعد را می‌توان شامل اصل حمایت از مالکیت خصوصی، اصل برابری، اصل رقابت و اصل تناسب دانست. به‌عنوان نمونه اصل ۴۴ قانون اساسی یکی از مهم‌ترین اصول قانونی در حوزه حقوق اقتصادی به شرح زیر است: «بخش دولتی شامل تمام صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به‌صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی نیز شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا براساس ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تاجایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور شود و مایه زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانونی جمهوری اسلامی است». البته در مورد همین اصل ۴۴ قانون اساسی لازم به ذکر است که هرچند در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی (مصوب ۱۳۳۸) بر اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی [۲] پافشاری شد و فرایند خصوصی‌سازی در برنامه‌های توسعه‌ی بعدی نیز دنبال شد، اما پس از گذشت چند دهه، وضعیت اقتصادی و مالکیتی کشور نشانگر موفقیت نداشتن این اصل در تحقق خصوصی‌سازی به مفهوم واقعی آن بوده است. همچنین «حقوق اقتصادی علاوه بر پوشش حوزه‌های اقتصادی داخلی در روابط اقتصادی بین کشورها نیز مصداق دارد و در میثاق



بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب سال ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد نیز به آن تأکید شده است» [۳].

این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها است که مهم‌ترین اصول قانون اساسی مرتبط با حوزه اقتصادی کشور کدامند و منابع دینی این اصول در اسلام کدامند؟ در ادامه نیز مشکلات و موانع اثرگذاری مناسب و مطلوب این قوانین اقتصادی در پیشبرد اقتصادی کشور را با هدف ارائه پیشنهادهایی راهگشا بررسی می‌کنیم.

۲- مهم‌ترین اصول قانونی مرتبط با نظام اقتصادی و منابع اسلامی آنها

اصل ۲۰: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام، برخوردارند.

۲-۱- آیات و روایت‌های مربوط به اصل ۲۰

۱- مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰٓةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ اَجْرَهُمْ بِاَحْسَنِ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ (نحل/۹۷) [۴]

از مرد و زن، هر کس کار شایسته انجام دهد درحالی‌که مؤمن است، به‌طور مسلم او را به زندگی پاک و پاکیزه‌ای زنده می‌داریم و بر پایه بهترین عملی که همواره انجام می‌داده‌اند، پاداششان را می‌دهیم.

۲- وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلِيْهِنَّ بِالْمَعْرُوْفِ وَلِلرِّجَالِ عَلِيْهِنَّ دَرَجَةٌ (بقره/۲۲۸) [۴]

زنان بر مردان همان حقوقی را دارند که مردان بر زنان دارند که باید به روشی پسندیده ادا شود، البته مردان بر زنان منزلتی بیشتر دارند.

۳- و لَا تَمْلِكِ الْمَرْءُ مِنْ اَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا؛ فَاِنَّ الْمَرْءَ رِيْحَانَةٌ و لَيْسَتْ بِقَهْرَمَانَةٍ (نهج البلاغه/نامه ۳۱) [۵]



امام علی علیه السلام: به زن کاری را که از حدّ و توان او فراتر است، مسپار؛ زیرا زن گُل است نه پیشکار.

اصل ۲۲: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

۲-۲- آیات و روایت‌های مربوط به اصل ۲۲

۱- وَكَأ تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره/۱۸۸) [۴]

و مال یکدیگر را به ناحق مخورید و آن را به نزد قاضیان نیفکنید که (به وسیله رشوه و زور) پاره‌ای از اموال مردم را بخورید با آنکه (شما بطلان دعوی خود را) می‌دانید.

۲- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ (توبه/۳۴) [۴]
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بسیاری از دانشمندان یهود و راهبان اموال مردم را به ناروا می‌خورند.

۳- وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ (بقره/۲۰۵) [۴]

و چون برگردد [یا ریاستی به دست آورد] کوشش می‌کند که در زمین فساد کند و کشت و نسل را نابود سازد و خداوند تباهکاری را دوست ندارد.

۴- وَكَأ تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ... (الاسرا/۳۳) [۴]

و نفسی را که خداوند حرام کرده است، جز به حق مکشید.

۵- وَكَأ تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا (الاسرا/۳۱) [۴]

فرزندانتان را از بیم تنگدستی نکشید؛ ما به آنان و شما روزی می‌دهیم، به طور یقین کشتن آنان گناهی بزرگ است.

۶- مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا (مائده/۳۲) [۴]



به این سبب بر بنی اسرائیل لازم و مقرر کردیم که هر کس انسانی را جز برای حق، [قصاص] یا بدون آنکه فسادی در زمین کرده باشد بکشد، چنان است که همه انسان‌ها را کشته است و هر کس انسانی را از مرگ برهاند و زنده بدارد، گویی همه انسان‌ها را زنده داشته است.

۷- وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا (نساء/۹۳) [۴]

و هر کس به عمد مؤمنی را بکشد، کیفرش دوزخ است که در آن ماندگار خواهد بود.

۸- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ (احزاب/۵۳) [۴]

ای کسانی که ایمان آوردید، بدون اجازه وارد خانه‌های پیغمبر نشوید.

۹- يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا (بقره/۱۸۹) [۴]

(ای پیغمبر) از تو پرسش کنند که سبب بدر و هلال ماه چیست؟ جواب ده که در آن تعیین اوقات عبادات حج و معاملات مردم است و نیکوکاری به آن نیست که از پشت دیوار به خانه درآید (چه این کاری ناشایسته است) ولی نیکویی آن است که پارسا باشید و به خانه‌ها (و به هر کار) از راه آن داخل شوید.

۱۰- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (نور/۲۷) [۴]

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید، این برای شما بهتر است، شاید متذکر شوید.

۱۱- إِيَّاكَ وَالْدَّمَاءَ وَسَفْكَهَا بغيرِ حَلِّهَا، فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَدْنَىٰ لِيَقْمَهُ، وَلَا أُعْظَمَ لِيَبْعَهُ، وَلَا أُحْرَىٰ بِزَوَالِ نِعْمَةٍ، وَأَنْتَقِطَاعِ مُدَّةٍ، مِنْ سَفْكِ الدَّمَاءِ بغيرِ حَقِّهَا. وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ مُبْتَدِئُ بِالْحُكْمِ بَيْنَ الْعِبَادِ فِيمَا تَسَافَكُوا مِنَ الدَّمَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ فَلَا تُفَوِّينَ سُلْطَانَكَ بِسَفْكِ دَمِ حَرَامٍ، فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُضَعِّفُهُ وَ يُوهِنُهُ، بَلْ يُزِيلُهُ وَ يَنْقُلُهُ. وَلَا عُذْرَ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ وَلَا عِنْدِي فِي قَتْلِ الْعَمْدِ (نهج البلاغه/ نامه ۵۳) [۵]

امام علی (ع): پرهیز از خون‌ها و خونریزی‌های به ناحق. زیرا هیچ چیز، بیش از خونریزی به ناحق، موجب کیفر خداوند نشود و بازخواستش را سبب نگردد و نعمتش را به زوال نکشد و رشته عمر را نبرد. خداوند سبحان، چون در روز حساب به داوری در میان مردم پردازد،



نخستین داوری او درباره خون‌هایی است که مردم از یکدیگر ریخته‌اند. پس مباد که حکومت خود را با ریختن خون حرام تقویت کنی، زیرا ریختن چنان خونی نه تنها حکومت را ناتوان و سست سازد، بلکه آن را از میان برمی‌دارد یا به دیگران می‌سپارد.

۱۲- لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا (نهج البلاغه / نامه ۳۱) [۵]

بنده دیگران مباش، چراکه خداوند تو را آزاد آفریده است.

۱۳- إِنَّ حُرْمَةَ عَرَضِ الْمُؤْمِنِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ وَ مَالِهِ (لثالی الاخبار، ج ۵، ص ۲۲۶)

پیامبر اسلام (ص): حرمت حیثیت و آبروی مؤمن همانند حرمت جان و مال اوست.

۱۴- كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَ مَالُهُ وَ عَرَضُهُ (نهج الفصاحه) [۶]

نبی اکرم (ص): تعرض به جان، آبرو، کرامت، حرمت و حیثیت مسلمان از سوی مسلمان دیگر حرام است.

اصل ۲۸: هر کس حق دارد شغلی را که به آن مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد کند.

اصل ۲۹: برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت موظف است براساس قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی بالا را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند.

اصل ۳۱: داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، به‌خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

۳-۲- آیات و روایت‌های مربوط به اصل ۳۱

۱- وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا (نحل/ ۸۰) [۴]

و خدا برای سکونت (دائم) شما منزل‌هایتان را مقرر داشت.



اصل ۴۳: اصل چهل و سوم: برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر، محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

- ۱- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه؛
- ۲- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به‌منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به‌صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد انجام شود؛
- ۳- تنظیم برنامه اقتصادی کشور به‌صورتی که شکل، محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد؛
- ۴- رعایت آزادی انتخاب شغل و اجبار نکردن افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری؛
- ۵- منع اضرار به غیر، انحصار و احتکار، ربا و دیگر معاملات باطل و حرام؛
- ۶- منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات؛
- ۷- استفاده از علوم، فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور؛
- ۸- جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور؛
- ۹- تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.



۲-۴- آیات و روایت‌های مربوط به اصل ۴۳

• معاملات حرام:

۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَتَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ (نساء/ ۲۹) [۴]

ای اهل ایمان! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل [و از راه حرام و نامشروع] مخورید، مگر آنکه تجارتی از روی خشنودی و رضایت میان خودتان انجام گرفته باشد.

• تمرکز ثروت:

۱- كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ. أَنْ رَأَهُ اسْتَعْتَبَى. (علق ۶-۷) [۴]

حقا که انسان همین که خود را بی نیاز پندارد، سرکشی می کند.

۲- مَا أَقَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ. (حشر/ ۷) [۴]

آنچه را که خدا از اموال کافران به رسول خود غنیمت داد، متعلق به خدا، رسول و خویشاوندان رسول، یتیمان، فقیران و در راه ماندگان است. این حکم برای آن است که غنایم، همیشه دست توانگران نباشد.

۳- وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (توبه / ۳۴) [۴]

و به کسانی که زر و سیم می اندوزند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند، از عذابی دردناک خبر ده.

• منع احتکار و تعیین قیمت‌ها:

۱- الْجَالِبُ مَرْزُوقٌ وَالْمُحْتَكِرُ مَلْعُونٌ [۵]

پیامبر اکرم (ص): عرضه کننده متاع موردنیاز مردم از طرف خدا روزی داده می شود و محتکر موردلعن خداوند است.



۲- أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى رِفَاعَةَ أَنَّهُ عَنِ الْحُكْرَةِ فَمَنْ رَكِبَ النَّهْيَ فَأَوْجِعُهُ ثُمَّ عَاقِبَهُ بِإِظْهَارِ مَا احْتَكَرَ [۶]

امام علی (ع) خطاب به استنادار خود در اهواز نوشت: (تجار را) از احتکار نهی کن. بعد کسی را که پس از نهی تو ارزاق عمومی را احتکار کرد، به مجازات دردناک برسان و سپس جزای عملش را ظاهر کردن آنچه که احتکار کرده (برای فروش) قرار بده.

۳- وَاعْلَمُ مَعَ ذَلِكَ، أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحِشًا وَشُحًّا قَبِيحًا وَاحْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ وَتَحَكُّمًا فِي الْبَيْعَاتِ، وَذَلِكَ بَابٌ مَضْرُوبٌ لِلْعَامَّةِ، وَعَيْبٌ عَلَى الْوَلَاءِ؛ فَأَمْنَعُ مِنَ الْإِحْتِكَارِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - مَنَعَ مِنْهُ. وَتُكْنَى الْبَيْعُ بَيْعًا سَمَحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَأَسْعَارٍ، لَا تُتَجَحَّفُ بِالْفَرِيْقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ. فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَانْكَرْ بِهِ، وَعَاقِبْهُ فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ. (نهج البلاغه/ نامه ۵۳) [۷]

حضرت علی (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: با این همه بدان که (در میان تجار) گروهی هستند که تنگ‌نظر و حریص و بخیل‌اند. احتکار می‌کنند و به میل خود برای کالای خود بها می‌گذارند. با این کار به مردم زیان می‌رسانند و برای والیان هم مایه ننگ و عیب هستند. پس (آنها را) از احتکار منع کن که رسول الله (ص) از آن منع کرده است و باید خرید و فروش به آسانی انجام شود و براساس عدل باشد، به گونه‌ای که در بها، نه فروشنده زیان بیند و نه بر خریدار اجحاف شود. پس از آنکه احتکار را ممنوع داشتی، اگر کسی باز هم دست به احتکار کالا زد، کیفرش ده و عقوبتش کن تا سبب عبرت دیگران شود ولی کار به اسراف نکشد.

• ربا:

۱- الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا (بقره/ ۲۷۵) [۴]

رباخواران در روز قیامت برنخیزند مگر مانند کسی که شیطان بر او چیره شده باشد. این عذاب به آن سبب است که آنان گفتند: خرید و فروش هم مانند رباست درحالی که خدا خرید و فروش را حلال و ربا را حرام کرده است.



۲- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ. فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِخَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِن تَتَّبِعُوا فَلَئِمَّ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَّا تَطْلُمُونَ وَ لَّا تُظْلَمُونَ (بقره/ ۲۷۸-۲۷۹) [۴]

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است، واگذارید. و اگر (چنین) نکردید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی برخاسته‌اید و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما از خودتان است. نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید.

۳- لَعْنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي الرِّبَا خَمْسَةَ أَكْلَهُ وَ مُوَكَّلَهُ وَ شَاهِدِيهِ وَ كَاتِبَهُ [۵]

امیرالمومنین فرمودند: رسول خدا در مسأله ربا، پنج نفر را لعن کرده است:

الف) رباخوار

ب) وکیل و نماینده‌ای که باعث شده است تا ربا داده شود.

ج و د) دونفر شاهد بر ربا

ه) کسی که معامله را ثبت کرده است.

• اسراف و تبذیر:

- ۱- وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَ لَّا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَّا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (اعراف، ۳۱) [۴]
- و بخورید و بیاشامید ولی زیاده‌روی نکنید که او (خداوند) اسرافکاران را دوست نمی‌دارد.
- ۲- وَ لَّا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا. إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ... (الاسراء، ۲۶ و ۲۷) [۴]
- اسراف بسیار نکنید، که اسراف‌کنندگان همانا از برادران شیطان هستند.
- ۳- فَدَعِ الْإِسْرَافَ مُقْتَصِدًا وَ اذْكُرْ فِي الْيَوْمِ غَدًا وَ أُمْسِكْ مِنَ الْمَالِ بِقَدْرِ ضَرُورَتِكَ وَ قَدِّمِ الْفَضْلَ لِيَوْمِ حَاجَتِكَ (نهج البلاغه، نامه ۲۱) [۷]

نامه‌ای از حضرت علی (ع) به زیاد: از زیاده‌روی بپرهیز و میانه‌روی پیشه کن. امروز به فکر فردایت باش. از مال به قدر نیازت نگاه‌دار و آنچه افزون آید، پیشاپیش برای روزی که بدان نیازمند گردی، روانه دار.

اصل ۴۴: نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل تمام صنایع بزرگ،



صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تاجایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور شود و مایه زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط، قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.

اصل ۴۵: انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبان مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا براساس مصالح عامه نسبت به آنها عمل کند. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.

۲-۵- آیات و روایت‌های مربوط به اصل ۴۵

• انفال:

۱- يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (انفال، ۱) [۴]

از تو درباره انفال (غنائم) پرسش می‌کنند؛ بگو: «انفال مخصوص خدا و پیامبر است. پس، از (مخالفت با) خدا بپرهیزید و خصومت‌هایی را که در میان شماست، آشتی دهید و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید اگر ایمان دارید».

۲- وَالْأَنْفَالُ كُلُّ أَرْضٍ خَرِبَتْ بِأَهْلِهَا، وَكُلُّ أَرْضٍ لَمْ يُوَجِّفْ عَلَيْهَا بَخِيلٌ وَلَا رَكَابٌ وَلَكِنْ صَالِحُوا صِلْحًا وَأَعْطُوا بِأَيْدِيهِمْ عَلَىٰ غَيْرِ قِتَالٍ، وَ لَهُ رُؤُوسُ الْجِبَالِ، وَ بَطُونُ الْأَوْدِيَةِ، وَالْأَجَامِ، وَ كُلُّ أَرْضٍ مِيتَةٌ لَأَرْبِ لَهَا، وَ لَهُ صَوَافِي الْمُلُوكِ مَا كَانَ فِي أَيْدِيهِمْ مِنْ غَيْرِ وَجْهِ الْغَضَبِ، لِأَنَّ الْغَضَبَ كُلَّهُ مَرْدُودٌ، وَ هُوَ وَارِثٌ مِنْ لَا وَارِثَ لَهُ.



حضرت موسی بن جعفر (ع) می‌فرماید: انفال عبارت است از تمام زمین‌های ویران شده که صاحبان آن‌ها از دنیا رفته‌اند و تمام زمین‌هایی که بدون جنگ به دست مسلمین افتاده و یا کافران و ستمگران با مصالحه و صلح آن‌ها را واگذار کرده‌اند و همچنین کوه‌ها و آنچه در اعماق بیابان‌ها نهفته است و همه نزارها و همه زمین‌هایی که موات و صاحبی ندارند و اموال خالصه سلاطین که از راه غصب به چنگ آن‌ها نیامده باشد، زیرا هر غصبی باید به صاحب اصلی آن برگردد، همه آنچه که برشمرده شد مال امام است و امام وارث کسی است که وارث ندارد.

• برگرداندن اموال غصب‌شده دولتی:

۱- وَاللّٰهُ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهٖ النِّسَاءَ وَ مَلَكَ بِهٖ الْاِِمَاءَ لَرَدَدْتُهُ. فَاِنَّ فِی الْعَدْلِ سَعَةً، وَ مَنْ ضَاقَ عَلَیْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَیْهِ اُضِیْقُ (نهج البلاغه / ۱۵) [۷]

سخنی از حضرت علی (ع) درباره زمین‌هایی که عثمان در زمان خلافت خود به این و آن داده بود و امام (ع) آنها را به مسلمانان بازگردانید:

به خدا سوگند، اگر چیزی را که عثمان بخشیده، نزد کسی بیابم، آن را به صاحبش باز می‌گردانم، هرچند، آن را کابین زنان کرده باشند یا بهای کنیزکان. که در دادگری گشایش است و آنکه از دادگری به تنگ آید از ستمی که بر او می‌رود، بیشتر به تنگ آید.

اصل ۴۶: هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ‌کس نمی‌تواند به‌عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.

اصل ۴۷: مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد، محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند.

اصل ۴۸: در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به‌طوری‌که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.



۲-۶- آیات و روایت‌های مربوط به اصل ۴۸

• برابری:

۱- اسْتَوُوا وَلَا تَخْتَلِفُوا فَتَخْتَلِفَ قُلُوبُكُمْ

حضرت رسول (ص): برابری را رعایت کنید و تبعیض قائل نشوید که مایه پراکندگی دل‌هایتان می‌شود.

اصل ۴۹: دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایرکردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن مالک به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی، تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.

اصل ۵۰: در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آنکه با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

۲-۷- آیات و روایت‌های مربوط به اصل ۵۰

• محیط زیست:

۱- إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَ فِي يَدِ أَحَدِكُمْ فَسِيلَةٌ، فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا يَقُومَ حَتَّى يَغْرِسَهَا، فَلْيَغْرِسْهَا [۸]
پیامبر صلی‌الله علیه و آله: اگر قیامت فرا رسد و در دست یکی از شما نهالی باشد، چنانچه می‌تواند آن را بکارد، باید آن را بکارد.

۲- مَا مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنْ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ الْغَرْسِ [۸].
پیامبر خدا صلی‌الله علیه و آله: هیچ مردی نیست که درختی بنشانند، مگر اینکه خداوند به اندازه میوه‌ای که آن درخت می‌دهد برایش اجر بنویسد.



۳- من غرس غرساً، لم يأكل منه آدميٌ ولا خلقٌ من خلقِ الله إلا كان له صدقةٌ [۸]
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس درختی بکارد، هر بار که انسانی یا حیوانی از محصول آن بخورد، برای او صدقه حساب می‌شود.

اصل ۵۱: هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می‌شود.

اصل ۵۲: بودجه سالانه کل کشور به‌ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود، از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌شود. هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود.

اصل ۵۳: کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد.

اصل ۵۴: دیوان محاسبات کشور به‌طور مستقیم زیر نظر مجلس شورای اسلامی می‌باشد. سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استان‌ها به موجب قانون تعیین خواهد شد.

اصل ۵۵: دیوان محاسبات به تمام حساب‌های وزارتخانه‌ها، مؤسسه‌ها، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به‌نحوی از انجا از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند، به‌ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی یا حسابرسی می‌کند که هیچ هزینه‌ای از اعتبارهای مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌کند. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.

۳- بحث و بررسی

در بخش پیشین اصول قانونی مرتبط با حقوق اقتصادی و منابع دینی مرتبط با هر اصل به تفکیک بررسی شدند. تقریباً تمامی قوانین اقتصادی مرتبط با حقوق اقتصادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی دارای پشتوانه‌های محکم از منابع دینی (کتاب، سنت، اجماع و عقل) هستند. در مواردی که منبع مرتبط با اصلی نیامده است، حتماً برای اصول مشابه آورده و از تکرار پرهیز شده است. این منابع دینی سندی بر استحکام و قابل‌اتکا بودن قوانین و حقوق اقتصادی



کشور هستند. نکته‌ی جالب اینکه در مواردی که اصل قانونی مهمتر، کلی‌تر و حیاتی‌تر است، پشتوانه‌های دینی آن نیز بیشتر و گسترده‌تر و حتی عمیق‌تر هستند؛ به‌عنوان نمونه اصل ۲۲ که در مورد جان و مال و ناموس مسلمان است، ۱۴ پشتوانه برای آن آورده‌ایم.

همان‌گونه که ذکر شد، حقوق اقتصادی منبعث از قانون اساسی جمهوری اسلامی دارای پشتوانه‌های محکم و استوار دینی به‌ویژه قرآن کریم است. هدف نهایی این قوانین تنظیم معادلات، روابط اقتصادی در سطح جامعه به کیفیتی است که منجر به رشد و بهره‌وری اقتصادی و رفاه مردم شود. این نوع نگاه در نظریه‌پردازان اقتصادی نیز رواج دارد: جیمز بوکانن^۱، جرالدا اسکالی^۲ و فریدمن^۳ در زمینه بررسی نقش حقوق بر اقتصاد کشور و توسعه آن ابعاد جدیدی از تحلیل‌های اقتصادی را گشوده‌اند، برای مثال نکته کلیدی بوکانن و اسکالی آن است که محتوای قانون اساسی که بیانگر حقوق اقتصادی جامعه است می‌تواند به‌گونه‌ای باشد که تأمین آن حقوق زمینه‌ساز رشد و توسعه اقتصادی و یا تأمین‌کننده رقابت و کارایی اقتصادی در جامعه باشد. فریدمن رابطه بین اقتصاد و حقوق و ابعاد آنها را می‌گشاید و بر این نکته تأکید می‌کند که نحوه نگاه قانون به حقوق عواملان اقتصادی می‌تواند تخصیص منابع اقتصادی را در راستای بهینگی موردنظر اقتصاددانان سوق دهد» [۷].

منظور از بهینگی موردنظر اقتصاددانان، همان اصل بهره‌وری و کارایی اقتصادی است که در حقوق و اقتصاد جدید به آن توجه شده است. همین اصل بهره‌وری و کارایی از عوامل اساسی توسعه اقتصادی کشور به‌صورتی پایدار و رفاه عمومی به‌صورتی گسترده و همه‌گیر است. اصولی که در بسیاری از آیات و روایت‌هایی که پیش‌تر به‌عنوان منابع دینی اصول قانون اساسی آوردیم، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم تأکید شده و در قانون اساسی نیز آمده‌اند. دو عامل بهره‌وری و کارایی به‌عنوان نتیجه انضباط و شفافیت از جدیدترین متغیرهای مؤثر در حوزه اقتصادی هستند که باید در نظام حقوقی کشور نیز به‌صورتی ویژه مد نظر قرار گیرند. «نکته اساسی حقوق و اقتصاد جدید همانا ورود عامل بهره‌وری و کارایی اقتصادی در شکل دادن به قواعد حقوقی است. در واقع برخلاف حقوق سنتی که قواعد حقوقی را در چارچوب و

1- James M. Buchanan

2- Gerald W. Scully

3- Milton Friedman



برای تأمین عدالت و انصاف می‌دید، حقوق و اقتصاد جدید کارایی اقتصادی را به‌عنوان هدف و پارامتر اصلی قواعد حقوقی در نظر می‌گیرد و تحلیل‌های خود را از قواعد حقوقی، براساس میزان کارایی ترسیم می‌کند و پیشنهاد ایجاد یا اصلاح قواعد حقوقی را برای نیل به کارایی بیشتر ارائه می‌دهد» [۸]. این همان واقعیت مهمی است که در تنقیح و اصلاح قوانین مرتبط با حقوق اقتصادی کشور باید مدنظر قرار گیرد و تمامی تمرکز و توجه به «انضباط و شفافیت مالی» به‌منظور نیل به کارایی و بهره‌وری حداکثری در اقتصاد باشد. برای رسیدن به چنین اهدافی «قانون‌گذاری» باید با عطف توجه به حداکثرسازی ثروت راهبری شود. هرچند گاهی قانونگذار به‌علت گروه‌های فشار، موانعی در راه رفتار بازار در جهت حداکثرسازی ثروت پدید می‌آورد [۹؛ ۱۰].

یکی از حوزه‌هایی که نیازمند چنین توجهی است، بحث مالکیت و انواع آن است. از مهمترین اصول قانونی مرتبط با حقوق اقتصادی، اصول ۴۴، ۴۵، ۴۶ و ۴۷ قانون اساسی است که به مباحث مربوط به مالکیت پرداخته است. اسلام ضمن محترم شمردن مالکیت اشخاص با تفکیک مالکیت به الهی و عمومی و خصوصی برای هرکدام از این موارد توصیه‌ها و اوامر مشخصی مطرح کرده است که در قانون اساسی ما نیز منعکس شده است. اسلام با گونه‌بندی انواع مالکیت و همچنین «با وضع قوانینی سعی بر سامان دادن مبادلات اقتصادی در بین مسلمانان کرده است... و با وضع مقررات مالکیت خصوصی، عمومی و دولتی، ضمن رشد معنوی و انسانی، احتیاجات و امیال مادی را نیز برآورده می‌کند» [۱۱؛ ۱۲]. منظور از مالکیت نیز عرضیاتی انتزاعی است که از نفس سلطه خارجی حاصل و بین شخص و شیء انتزاع می‌شود. به بیان ساده‌تر «مالکیت - منشأ و ماهیتش هرچه باشد- عبارت است از سلطه‌ای قانونی که مالک آن را اختیاردار چیزی می‌کند و اختیار دیگران را از آن چیز سلب می‌کند [۱۳].

براساس قانون اساسی، سه نوع مالکیت دولتی، تعاونی و خصوصی از یکدیگر تفکیک شده‌اند. نکته قابل‌توجه این است که هرچند قانونگذار انواع مالکیت‌ها را به تفکیک برشمرده است، اما هرکدام را به‌گونه‌ای جامع و مانع تعریف نکرده است و همین شفافیت نداشتن موجب مشکلاتی به‌ویژه در بحث بهره‌وری، نظارت و پایش شده است. نتایج حاصل از



پژوهش رنانی و همکاران (۱۳۸۷) در زمینه حقوق مالکیت نشان می‌دهد که «برای رسیدن به نرخ رشد اقتصادی حداقل ۲ درصد، به سهم مخارج حفاظت از حقوق مالکیت بیش از ۳۵ درصد نیاز است. این رقم در حال حاضر در حدود ۵/۸ درصد است» که رقمی بسیار پایین‌تر از حداقل مورد نیاز است [۱۴]. همین شفاف نبودن تعریف مالکیت‌ها و گونه‌بندی دقیق آنها چه در حوزه نظری و چه در واقعیت موجب شده است که حقوق مرتبط با انواع مالکیت با عدم وضوحی مشکل‌ساز مواجه شود که خود موجب اختلال در حوزه اقتصادی می‌شود چراکه «حقوق مالکیت با وجودی که در ماهیت موضوعی حقوقی است، از ارکان استحکام نظام‌های اقتصادی و سیاسی است و تحکیم این امر حقوقی موجب استحکام سیستم‌های غیرحقوقی می‌شود» [۱۵]. از همین رو شفافیت و دقت در تعریف و تعیین حدود مالکیت و تعهد به اصول قانونی مرتبط با آن و «حفاظت از حقوق مالکیت باعث انباشت سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی، افزایش پس‌انداز، افزایش کارایی اقتصادی، تخصیص بهینه منابع، کاهش فعالیت‌های رانت‌جویی خصوصی و دولتی و در نهایت تسریع رشد و توسعه اقتصادی و در یک کلام بهبود عملکرد اقتصادی می‌شود» [۱۶].

با نگاهی به مباحث بیان شده و همچنین وضعیت اقتصادی کشور متوجه می‌شویم که «عمده آسیب‌های نظام حقوق اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران مربوط به نقض برخی از مهم‌ترین اصول حقوق عمومی نظیر اصل حاکمیت قانون، اصل تضمین احترام به قلمرو صلاحیت‌ها، اصل مسئولیت‌پذیری، اصل پاسخگویی، اصل سازگاری میان مقررات تنظیمی، اصل شفافیت، اصل هدف‌مندی و نتیجه‌محوری، اصل تناسب، اصل تخصص در فرایند تصمیم‌سازی و اصل رعایت قواعد شکلی، انشایی و نگارشی در تهیه و تنظیم پیش‌نویس مقررات اقتصادی می‌باشد. این آسیب‌ها را می‌توان در چهار بعد خلاصه کرد: آسیب‌های نهادی و ساختاری آسیب‌های تقنینی و مقررات‌گذاری آسیب‌های کارکردی و اجرایی و در آخر آسیب‌های محیطی و بیرونی» [۱۷]. به این اقدام‌های حقوقی باید انضباط و شفافیت مالی را نیز در حوزه اقتصادی بیش از پیش مورد توجه قرار دهیم. حقوق و قوانین تنها در صورتی به نتایج مطلوب اقتصادی می‌رسند که تأکید آنها بر انضباط و شفافیت مالی به‌عنوان پیش‌نیازهای مسلم توسعه اقتصادی باشد. به‌علاوه «با توجه به تعریف و دایره شمول مفهوم توسعه (که ابعاد



متفاوتی دارد و موضوعات بسیاری را در خود جای داده است) برای راهبری توسعه با شاخص‌های موجود آن، رویکرد تنظیمی (سیاست‌گذاری و مقررات‌گذاری) و فراتنظیمی (مقررات، نظارت و کنترل) پیشنهاد می‌شود» [۱۸].

۴- نتیجه‌گیری

در این مقاله حقوق اقتصادی کشور، ریشه‌های دینی و فقهی آن بررسی شده است. پس از بررسی و تأمل در حقوق اقتصادی، میزان موفقیت و اثرگذاری آن در پیشبرد اهداف اقتصادی در سطح سیاست‌های کلان کشور، برنامه‌های توسعه‌ای پنج ساله و منویات مقام معظم رهبری در حوزه‌های اقتصادی بررسی و سپس به نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

قوانین مرتبط با حقوق اقتصادی (که بخش مهمی از حقوق اساسی جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهند) برپایه شریعت مقدس اسلام و واقعیت‌های اقتصادی اجتماعی کشور تدوین شده‌اند. البته در دوره‌های مختلف و با توجه به تغییرات اقتصادی، این قوانین تا حد امکان مورد تنقیح و تصحیح قرار گرفته‌اند. نکته اینجاست که به‌رغم تمامی اصلاحات صورت گرفته از طرف قانونگذار و تأکید مسئولان و برنامه‌ریزان اقتصادی کشور منتج به اهداف پیش‌بینی شده و نتایج مطلوب نشده است. چرایی این واقعیت به این موضوع مرتبط است که این تصویب و تنقیح‌ها در حوزه نظر و به روی کاغذ می‌ماند و در حوزه عملیاتی، رویه حاکم همچنان همان رویه‌های سابق بوده است. نکته همینجاست که به‌رغم ابلاغ سیاست‌های کلی و تدوین قوانین اقتصادی جدید در حوزه حقوق اقتصادی و همچنین اصلاح و تنقیح قوانین موجود، برنامه‌ها و طرح‌های اقتصادی کشور به‌طور عملی به سمت و سوی مطلوب حرکت نمی‌کنند، برای مثال اصل ۴۴ قانون اساسی که با توجه به ضرورت‌ها و واقعیت‌های اقتصادی کشور پررنگ و به‌روز شد در عمل به خصوصی‌سازی صحیح، کامل و اثرگذار آنگونه که مد نظر رهبری و قانونگذار بوده است، منجر نشد و به خلق شرکت‌ها و مؤسسه‌های شبه‌دولتی یا نیمه‌دولتی انجامید. شرکت‌ها و مؤسسه‌هایی که دولت با هر درصد سهمی که دارد، سیاست‌گذار و هدایت‌کننده اصلی آنهاست.



نتیجه دیگر این پژوهش نشان می‌دهد که برخی از حقوق اقتصادی با تغییرات فناوری و روابط‌های اقتصادی جدید، روابط بین‌الملل و تحریم‌های ظالمانه دنیای غرب و دیگر واقعیت‌های اقتصادی دنیای جدید به‌خوبی هماهنگ و همخوان نیستند. به‌طور نمونه ما در بسیاری از حوزه‌های نفت و انرژی همچنان برپایه قوانین و مقرراتی اقدام می‌کنیم که برای سال‌ها قبل بوده و زمانی تدوین و تصویب شده‌اند که یا کشور تحریم نبوده است و یا اگر تحریم‌هایی هم بوده است، هرگز به این گستردگی و عمق نبوده‌اند.

به‌روز نشدن و عدم تنفیج قوانین با نگاهی دقیق و راهگشا، باعث شده است تا برخی از قوانین اقتصادی بسیار کلی و نادقیق (حداقل برای زمان کنونی) باشند و همین امر موجب تفاسیر متفاوت و حتی متناقض از یک قانون در موقعیت‌های مختلف می‌شود که خود موجب عدم هماهنگی و ناسازگاری با سایر قوانین می‌شود. بر این واقعیت مواردی را می‌توان افزود که در آن قانون ظاهراً هماهنگ و مناسب تدوین شده است، اما به‌علت پیچیدگی و ابهام، مجریان نتوانسته‌اند منظور را شفاف و دقیق درک کنند، از این‌رو منجر به اقدام‌هایی نادقیق شده است که با منظور قانونگذار چندان همراه نیست، برای مثال «معیارهایی که برای استقلال بانک مرکزی ارائه شده، همگی در یک چیز مشترک هستند و آن اینکه تنها قانون می‌تواند - حداقل به لحاظ نظری - حدود استقلال بانک مرکزی را تعیین کرده و آن را به دولتمردان تحمیل کند. اما در عمل امکان استقلال بانک مرکزی کشورمان (از لحاظ نظری) به امری دشوار تبدیل شده است». این نکته ما را به این واقعیت هدایت می‌کند که هرچند نیازهای اقتصادی کشور و حتی برخی قوانین به نوعی در پی استقلال حداکثری بانک مرکزی هستند، اما در عمل اختیاراتی دولت در عزل و نصب‌های بانک مرکزی، استقلال آن را دشوار کرده است [۱۹]. در مواردی نیز برخی قوانین با یکدیگر دچار همپوشانی یا تعارض هستند، برای نمونه اصل ۲۸ قانون اساسی که به آزادی انتخاب شغل اشاره دارد، در بخش دوم دولت را دخالت می‌دهد و خودبه‌خود محدودیت‌هایی پرننگ بر این آزادی بار می‌کند [۲۰]. «جمله ابتدایی اصل - هرکس حق دارد شغلی را که به آن مایل است ... برگزیند...- با جمله دوم آن - دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون... شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد کند - تعارض



دارد چراکه در آغاز حق شغل را در صورت تمایل برای افراد آزاد گذاشته و در انتها دولت را موظف کرده با رعایت نیاز جامعه آن را تأمین کند که این دو با هم تناقض دارند».

نکته قابل تأمل دیگر به درهم‌تنیدگی بخش‌های مختلف نظام اجتماعی برمی‌گردد که تغییر و تأثیر بر یک بخش، موجب تغییر و تأثیر در سایر بخش‌ها می‌شود. از همین رو برخی از ناکارآمدی‌های قوانین اقتصادی به سایر بخش‌های نظام اجتماعی مربوط می‌شود، برای مثال مفاهیمی چون انواع مالکیت (دولتی، تعاونی و خصوصی) وازهایی مثل انفال، مردمی، عمومی و حتی بیت‌المال تعریف جامع و مانعی ندارند و حتی در مراجعه به قوانین مرتبط می‌بینیم که در اصول مختلف معنایی متفاوت از آنها برداشت شده است. همین امر موجب بروز شفاف نبودن در حوزه مالکیت‌های دولتی و شرکت‌های وابسته به آن شده است که خود از مهم‌ترین مسائل حقوق اقتصادی در سال‌های اخیر کشور است. به این واقعیت‌ها نبود شفافیت و انضباط مالی در شرکت‌ها و مؤسسه‌های مختلف، اعم از دولتی یا غیردولتی را نیز باید اضافه کرد.

به‌روز نبودن قوانین اقتصادی کشور موجب شده است که میزان نفوذ سازمان‌های دولتی در حوزه‌های مالکیتی شفاف نبوده و در عمل بیشتر یا حتی گاهی کمتر از آن چیزی است که قانون تکلیف کرده است. همین نکته باعث وابستگی نادرست و ناسالم تمامی فعالیت‌های اقتصادی حتی بخش به‌ظاهر خصوصی، به دولت و تصمیم‌ها و اقدام‌های آن شده است. این واقعیت در نهایت بسیاری از اصول قانونی مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی را کمرنگ و حتی ناکارآمد کرده است، به‌گونه‌ای که به‌جای رقابت در تولید بهینه و فروش کالا، رقابت شرکت‌ها و تولیدکنندگان برسرگرفتن امتیازهای بیشتر از منابعی است که در اختیار دولت است.

مجلس در دوره‌های مختلف و بسته به طیف نمایندگان که وارد مجلس می‌شوند، بر موضوعات و حوزه‌های اقتصادی خاصی توجه و تأکید می‌کند که در عمل منجر به تصویب قوانین جدید یا تعدیل قوانین موجود می‌شود. حاصل این تغییرات این است که برخی از مصوبات، لوایح و شیوه‌نامه‌های جدید، بدون توجه و تأمل در سایر قوانین و روح کلی حاکم بر قانون اساسی مصوب می‌شوند که ممکن است در عمل باعث کاهش کارآمدی سایر قوانین اقتصادی و اثربخشی آنها در جهت اهداف غایی شوند.



همان‌گونه که پیش‌تر نیز تأکید شد، شفافیت نداشتن در حوزه انواع مالکیت و اختیاراتی بخش‌هایی چون نیمه‌دولتی و شبه‌دولتی، اثرگذاری قانون را به جد کاسته و در سایه همین ابهام قانونی، سامان اقتصادی کشور به وسیله برخی از این بخش‌ها دچار تنش و حتی انحراف شده است. تعریف شفاف و دقیق «مالکیت» و تعیین حدود و ثغور انواع آن، از اولویت‌های تنقیح و اصلاح قوانین کشور است. تفکیک و تدقیق انواع مالکیت و تنظیم قوانین متناسب در راستای پاسخگو کردن آنها در برابر نهادهای نظارتی از اولویت‌هایی است که می‌تواند اقتصاد را منظم‌تر و شفاف‌تر کرده و راه برای حضور و مشارکت بیشتر مردم در اقتصاد و حرکت به سمت «اقتصاد مردمی» هموار کند.

۵- منابع

- [۱] شیروی ع. حقوق اقتصادی، تهران، سمت. (۱۴۰۰).
- [۲] کتاب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- [۳] توتونچیان، م. «جایگاه حقوق اقتصادی اجتماعی در حقوق بشر اسلامی از منظر فقه»، حقوق پزشکی (ویژه‌نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی)، (۱۳۹۸). ۱۳: ۵۷-۷۱.
<https://sid.ir/paper/374680/fa>
- [۴] قرآن کریم.
- [۵] حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، کتاب التجاره، ابواب آداب التجاره، باب ۲۷، آل‌البیت لاحیال‌التراث، (۱۴۰۹ ه. ق.).
- [۶] محمودی، م. نهج‌السعادة فی مستدرک نهج‌البلاغه، تصحیح عزیز آل طالب، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول. (۱۳۷۶).
- [۷] نهج‌البلاغه.
- [۸] پاینده، ا. نهج‌الفصاحه، دنیای نشر. (۱۳۸۲).
- [۹] خداپرست مشهدی م. حقوق اقتصادی در قانون اساسی (رویکرد سیستمی)، دانش و توسعه، (۱۳۸۰). (۱۳): ۶۱-۸۵. <https://sid.ir/paper/417136/fa>
- [۱۰] کلی، ج. تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب، ترجمه محمد راسخ، نشر نی. (۱۳۸۲).



- [۱۱] بابایی، ا. «مبانی نظری رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق»، حقوق و سیاست، ۲۳۹ (ویژه حقوق اقتصادی و تحلیل اقتصادی حقوق)، (۱۳۸۶). صص ۱۳-۶۰.
<https://sid.ir/paper/98066/fa>
- [۱۲] فریوریگان م.، سلیمی ه.، شکرانی ر. «مراحل تاریخی شکل‌گیری نظام حقوق اقتصادی در قرآن کریم»، مطالعات قرآن و حدیث، (۱۴۰۰). ۱۴(۲) (پیاپی ۲۸): ۲۳۷-۲۱۳.
<https://sid.ir/paper/1009023/fa>
- [۱۳] خامنه‌ای س. م. مالکیت عمومی، تهران، انتشارات تولید کتاب. (۱۳۸۶).
- [۱۴] رنانی م.، دلالی اصفهانی ر.، صمدی، ع. ح. «رابطه حقوق مالکیت و رشد اقتصادی در چارچوب یک الگوی رشد درون‌زا»، (۱۳۸۷). ۴۳(۸۵): ۱۷۵-۲۰۶.
<https://sid.ir/paper/12167/fa>
- [۱۵] دادگر ی.، بزنگانی ه. «جایگاه حقوق مالکیت در استحکام نظام اقتصادی»، مجله تحقیقات حقوقی، (۱۳۹۰). (۵۵): ۴۷۳-۵۲۴.
<https://sid.ir/paper/91907/fa>
- [۱۶] صمدی ح.، رنانی م.، دلالی اصفهانی ر. «مفهوم و آثار اقتصادی حقوق مالکیت: رویکرد نهادگرایی»، مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، (۱۳۸۹). ۴۰(۱) (ویژه‌نامه ۱۰۱): ۱۸۳-۲۰۱.
<https://sid.ir/paper/124782/fa>
- [۱۷] اصغرنیا م.، رستمی و. «نقد و آسیب‌شناسی نظام حقوقی تنظیم مقررات اقتصادی ایران از منظر حقوق رقابت»، پژوهش‌های اقتصاد صنعتی، (۱۳۹۹). ۴(۱۱): ۶۱-۷۶.
- [۱۸] صناعی م.، پروین خ. «تحلیل حقوقی مداخله یا عدم مداخله دولت‌ها در نظام توسعه در حقوق اقتصادی عمومی»، مطالعات حقوق عمومی (حقوق)، (۱۳۹۹). ۵۰(۱): ۲۳۹-۲۵۴.
<https://sid.ir/paper/251227/fa>
- [۱۹] السان م.، نگین‌تاجی ز. «تحلیل حقوقی و اقتصادی استقلال بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران»، دانشنامه حقوق اقتصادی، (۱۴۰۱). ۲۹(۲۱): ۵۰-۸۴.
- [۲۰] بیدار ز.، عبدی‌پور فرد، ا. «تأملی بر قلمرو و اهداف اصول حقوق عمومی اقتصادی در پرتو آرای هیأت عمومی دیوان عدالت‌اداری» مجله حقوقی دگستری، (۱۴۰۰). ۸۵(۱۱۵) ۴۵-۶۴.
<https://sid.ir/paper/413744/fa>